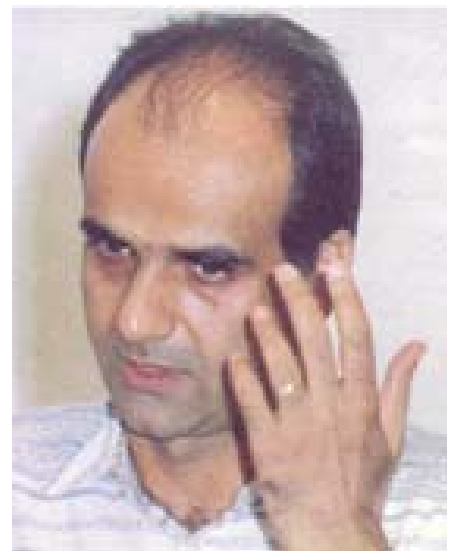


کارنامه درخشانی که کینه تاریک اندیشان را برانگیخت



در سالروز ترور زنده یاد محمد جعفر پوینده «ایسنا» کارنامه فعالیت پرریا او در زمینه نگارش، ترجمه و فعالیت های اجتماعی را انتشار داده و با دوتن از آشنایان با وی، یعنی با علی اشرف درویشیان و علی اکبر معصوم بیگی مصاحبه ای انجام داده است که متن آن را در زیر می خوانید:

محمدجعفر پوینده در هفدهم خردادماه سال ۱۳۳۳ در اشکدر یزد به دنیا آمد، در شش سالگی به دبستان رفت و در ده سالگی ضمن تحصیل، برای کمک به امرار معاش خانواده و خریدن کتابهای مورد علاقه اش، به کار کردن پرداخت.

در سال ۱۳۴۷ در دوره دبیرستان در زمینه ادبیات و در رشته های روزنامه نگاری، مقاله نویسی و سرودن شعر به طبع آزمایی پرداخت. در سال ۱۳۴۹ پس از پایان تحصیلات دبیرستان در رشته حقوق سیاسی قضائی در شمار نفرات اول پذیرفته شد و از همان اوایل ورود به دانشگاه به فعالان مبارزات دانشجویی پیوست.

در سال ۱۳۵۳ پس از فارغ التحصیل شدن در رشته حقوق، برای ادامه تحصیل در رشته جامعه شناسی به دانشگاه سوربن فرانسه رفت و در سال ۱۳۵۶ فوق لیسانس گرفت. در طول سالهای تحصیل در فرانسه، در جنبش دانشجویان خارج از کشور بر ضد نظام شاهنشاهی شرکت داشت و در شهریور سال ۱۳۵۷، در آستانه سرنگونی سلطنت پهلوی به ایران بازگشت و در مبارزات اجتماعی شرکت کرد. در سال ۱۳۶۷ در ظرف کمتر از ده سال به ترجمه دهها مقاله سیاسی و اجتماعی پرداخت و نخستین ترجمه اش «پیر دختر» نوشته بالزاک بود که منتشر شد.

از محمدجعفر پوینده بیش از ۱۵۰ مقاله و ۲۷ کتاب ترجمه و تالیف به جا مانده است که پنج ترجمه نیز از او منتشر خواهد شد. تعدادی از آثار وی عبارتند از: گوسیک رباخوار (بالزاک ۱۳۶۸)، راه زندگی، راهنمای آموزش و مادران، آموزش و تربیت کودکان (ماکارنکو ۱۳۷۰)، جامعه شناسی ادبیات (دفاع از جامعه شناسی رمان، اثر معروف لوسین گلدمن ۱۳۷۱)، سودای مکالمه، خنده، آزادی (میخائیل باختین ۱۳۷۳)، جامعه شناسی رمان: بالزاک، زولا، استاندال (جورج لوکچ ۱۳۷۴)، جامعه، فرهنگ، ادبیات (لوسین گلدمن ۱۳۷۶)، سپیده دمان فلسفه تاریخ بورژوازی (ماکس هورکهایم ۱۳۷۶)، پیکاری با تبعیض جنسی (آندره میشل ۱۳۷۶)، اگر فرزند دختر دارید ... (جامعه شناسی و روان شناسی شکل گیری شخصیت در دخترها نوشته النجانینی بلوتی ۱۳۷۷)، مکتب بوداپست (جورج لوکچ ۱۳۷۷)، درآمدی برهگل (ژاک دونت ۱۳۷۷)، سیاست ملی کتاب، راهنمای توسعه کتاب و کتابخوانی (الواروگارتن ۱۳۷۷)، درآمدی بر جامعه شناسی ادبیات (باختین، گرامشی، لوکچ و دیگران ۱۳۷۷)، پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر (لیالوین ۱۳۷۷)، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن (کلن جانسون ۱۳۷۷)، و تاریخ و آگاهی طبقاتی (جورج لوکچ ۱۳۷۷). «به نقل از شماره ۱۳۶ مجله آدینه»

محمدجعفر پوینده در آذرماه سال ۱۳۷۷ ربوده و سپس جسد او (۱۸ آذرماه) در حوالی تهران پیدا شد. عوامل قتل این پژوهشگر و مترجم، عوامل خودسری از وزارت اطلاعات معرفی شدند.

دیگران در باره او چه می گویند؟

علی اشرف درویشیان با تاکید بر تفکری که محمدجعفر پوینده در انتخاب آثارش برای ترجمه داشت، به خبرنگار ایسنا گفت: او کتابهای بسیاری را مطالعه می کرد؛ تا کتاب دلخواهش را پیدا کند و به ترجمه آن بپردازد.

وی با تقسیم بندی ترجمه های پوینده به مباحث جامعه شناسی هنر، فلسفه، آموزش و پرورش، پیکار با تبعیض جنسی، حقوق بشر و چند داستان، متذکر شد: اولین کسی که در ایران به طور جدی درباره جامعه شناسی هنر کار کرد، زنده یاد پوینده بود که مهم ترین کارهایش در این زمینه جامعه شناسی ادبیات، جامعه، فرهنگ، ادبیات و جامعه شناسی رمان است.

درویشیان همچنین یادآور شد: علاوه بر این، اولین شخصیتی که او به طور مشخص به ما معرفی کرد، باختین، زبان شناس و نویسنده منتقد اهل شوروی است که پوینده، سودای مکالمه، خنده، آزادی را از او ترجمه کرد.

درویشیان با اشاره به توجه پوینده به مباحث حقوق بشر گفت: او اهمیت زیادی به حقوق بشر می داد و در سخنرانی و مصاحبه هایش به مواردی از اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره می کرد. درویشیان که نقدی را با عنوان «خدمتگزار حقیقت، خدمتگزار آزادی» بر کتاب «تا دام آخر» (برگریده ای از گفت و گویا و مقاله های پوینده به گردآوری سیما صاحبی) نگاشته است، در پایان

خاطر نشان کرد: باید از زندگی مترجمی با چنین سلیقه مسؤولانه بی درس گرفت، او دست به ترجمه نمی زد، فقط برای اینکه ترجمه ای انجام داده باشد؛ بلکه نوع انتخاب آثار برایش بسیار مهم بود. او نارسایی های امروز جامعه ما را کشف کرده بود و جوانهایی که می خواهند به کار بپردازند، باید بدانند زندگی یک فرد اگر بخواهد مسؤولانه به جامعه و زندگی فکر کند، با چه مشکلاتی روبه رو است.

علی اکبر معصوم بیگی نیز در همین رابطه به ایسنا گفت: پوینده از ابتدای کار به تعهد اجتماعی پای بند بود و بیرون از این محدوده انتخابی انجام نمی داد. وی ادامه داد: البته در سه، چهار کار اول هنوز جهت اصلی را پیدا نکرده بود و رمان، قصه، مقاله و ... ترجمه می کرد؛ ولی به تدریج جهت اصلی را پیدا کرد. پوینده جامعه شناسی خوانده بود و آن را خوب می شناخت، در نتیجه به ترجمه هایی در این حوزه پرداخت.

او در ادامه تاکید کرد: این رشته در ایران کار نشده بود و تنها اثر مهم «ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی» ترجمه فیروز شیروانلو بود و بیشتر ترجمه ها از منابع غیر مستقل انجام می شد و تبلیغ نوع خاصی از فکر در حزب خاصی بود. اما پوینده بهترین منابع را انتخاب کرد که تا آن روز کمتر کسی جرات نمی کرد سراغ آن ها برود؛ مانند آثار گلدمن، لوکچ و باختین.

معصوم بیگی سپس خاطر نشان کرد: در سیر ترجمه های پوینده، شیوه فارسی نویسی او نیز قابل توجه است. در واقع پوینده ترجمه را به صورت جزئی از فرهنگ ملی تبدیل می کند که تا یکی دو نسل آینده هم می تواند از آن استفاده کند.

وی با اشاره به رویکرد پوینده به متون فلسفی نیز گفت: نمونه درخشان کار او در این زمینه تاریخ و آگاهی طبقاتی لوکچ است؛ یکی دو فصل از این کار حتا خواندنش هم بسیار دشوار است، اما پوینده به خوبی توانسته است آن را به فارسی برگرداند. معصوم بیگی سپس درباره ارزیابی اش از آثار «مجید شریف» نیز به خبرنگار ایسنا گفت: تعهد و فعالیت اجتماعی از وجوه اشتراک پوینده و شریف است. یعنی هر دو کار نویسندگی و قلم را جدا از فعالیت اجتماعی نمی دیدند و از تیره نادری بودند که قلم را با فعالیت اجتماعی پیوند می زدند.

وی در ادامه یادآور شد: ذهن فعال و پوینده شریف او را و می داشت تا در پيله تنهایی نگنجد و زندگی پرفراز و نشیبی با فعالیت های سیاسی - اجتماعی داشته باشد.

معصوم بیگی همچنین با اشاره به پرکار و فعال بودن شریف اظهار کرد: علاقه مندی به فلسفه نیز دیگر وجه اشتراک پوینده و شریف بود. شریف در این زمینه ترجمه درخشان «چنین گفت زرتشت نیچه» را دارد.

وی همچنین خاطر نشان کرد: زن شورشی رزا لومبورگ نیز نشانگر روح شورنده خود شریف است و همان روح جوشان بود که او را به مرگ کشاند و مانع خلایق هایش شد.

معصوم بیگی گفت: شریف همچنین مقدار زیادی نوشته دارد که امکان چاپش نبود؛ اما آنچه اهمیت دارد، زندگی زیبای شریف و پوینده است.